

وصیت

از

حضرت میرزا غلام احمد قادیانی

امام مہدی و مسیح موعود

علیہ الصلوٰۃ والسلام

سازمان انتشارات بین المللی اسلام

Wasiyyat
Persian Translation of
Al-Wasiyyat (Urdu)
By: Hazrat Mirza Ghulam Ahmad (on whom be peace)
The Promised Messiah and Mahdi^{as}
Founder of the Ahmadiyya Muslim Jama'at

وصیت

ترجمه فارسی کتاب اردو: الوصیت
از حضرت میرزا غلام احمد قادیانی، امام مهدی و مسیح موعود علیه الصلوة والسلام
موسس جماعت اسلامی احمدیه

مترجم از زبان اردو به فارسی: سلطان احمد قمر

چاپ اول کتاب اردو: قادیان، هند، ۱۹۰۵م

چاپ ترجمه فعلی: بریتانیا ۲۰۲۰م

© Islam International Publications Ltd.

ناشر:

سازمان انتشارات بین المللی اسلام

Guildford Road, Unit 3, Bourne Mill Business Park

Farnham, Surrey GU9 9PS United Kingdom

محل چاپ در بریتانیا

انتشارات رقیم

برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به:

www.alislam.org

ISBN: 978-1-84880-180-6

فهرست مطالب

- ب ----- معرفی کوتاه مؤلف
- ج ----- درباره کتاب
- د ----- تشکر و قدردانی
- ذ ----- تصویر روی جلد چاپ اول
- ر ----- ترجمه نخستین برگه چاپ اول کتاب
- ۳۴ ----- دستورالعمل
- ۳۸ ----- ضمیمه متعلق به رساله وصیت
- ۴۸ گزارش جلسه اول مجلس معتمدین صدر انجمن احمدیه قادیان

بسم الله الرحمن الرحيم

معرفی کوتاه مؤلف

حضرت میرزا غلام احمد قادیانی امام مهدی و مسیح موعود علیه السلام در ۲۴ بهمن ۱۲۱۳ ش برابر با ۱۳ فوریه ۱۸۳۵ در روستایی به نام قادیان در استان پنجاب هند به دنیا آمدند. ایشان از کودکی علاقه خاصی به عبادت و ذکر الهی داشتند و غالب اوقات خود را صرف تلاوت قرآن کریم و مطالعه آثار مذاهب دیگر می کردند، اما پس از رسیدن به سن رشد مشاهده نمودند که اسلام از هر طرف مورد حمله قرار گرفته و بخت مسلمانان رو به زوال است. بنابراین، طبق دستور خداوند متعال مسئولیت دفاع از اسلام و آشکار ساختن زیبایی دین مبین اسلام را به عهده گرفتند و در آثار، سخنرانی‌ها و مناظره‌ها با براهین قاطع و روشن ثابت کردند که اسلام تنها دینی است که انسان را به خداوند متعال پیوند می دهد. حضرت میرزا غلام احمد قادیانی علیه السلام بنا بر وحی الهی اعلام فرمودند که نصّ قرآن کریم ثابت می کند که حضرت عیسی علیه السلام وفات یافته است و ایشان همان مسیح موعود و امام مهدی است که مسیحیان و مسلمانان منتظرش هستند. همچنین ایشان اعلام فرمودند که تمام پیشگویی‌هایی که در کتاب‌های مقدس

ادیان جهان راجع به ظهور امام مهدی و مصلحی ثبت شده است، در وجود ایشان محقق است. حضرت میرزا غلام احمد علیه السلام در سال ۱۸۸۹م جماعتی به نام ”جماعت اسلامی احمدیه“ تاسیس کردند و به صراحت بیان فرمودند که طبق بشارت سرور کائنات، خاتم النبیین، صلی الله علیه و آله و سلم، پیامشان با صلح و آشتی گسترش خواهد یافت. اما، در واکنش به پیام محبت ایشان، پرخاشگری و خشونت از جانب همه ادیان و فرقه‌ها به اوج رسید که این رویه تعصب و پرخاشگری، هنوز هم در جریان است. حضرت میرزا غلام احمد در سال ۱۹۰۸م دار فانی را وداع گفتند و به سوی معبود حقیقی خویش شتافتند. پس از وفات آن حضرت، مطابق پیشگویی حضرت سید کائنات، فخر الرسل و خاتم الانبیاء ﷺ، نظام خلافت آغاز گردید و اکنون، ماموریت و اهداف آن حضرت، توسط خلفایشان انجام می‌شود. در حال حاضر، جماعت اسلامی احمدیه در ۲۱۳ کشور، به رهبری سرورمان حضرت میرزا مسرور احمد - پنجمین خلیفه امام مهدی و مسیح موعود علیه السلام - مستقر است و خلیفه زمان با تمام وجود تلاش می‌کنند اسلام حقیقی را در سراسر جهان گسترش دهند.

درباره کتاب

حضرت میرزا غلام احمد قادیانی امام مهدی و مسیح موعود علیه الصلوة والسلام این رساله را در ماه دسامبر ۱۹۰۵ تألیف فرمودند. و در آن تمام آن وحی‌هایی را نوشتند که از آنها آشکار می‌شود که وفات آن حضرت نزدیک است. حضرت مسیح موعود علیه السلام با دادن تسلائی خاطر به جماعت خود درباره زلزله- ای که قرار بود با وفات آن حضرت روی دهد، می‌فرمایند: ”از قدیم این سنت خداوند متعال است که او دو قدرت را نشان می‌دهد.“

(۱) قدرت اول، وجود خود پیامبر است و (۲) پس از وفاتش قدرت دوم به ظهور می‌رسد چنانکه پس از وفات حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم، خداوند متعال حضرت ابوبکر رضی الله عنه را بلند کرد و ایشان اسلام را از حالت نابودی درآوردند گویی آن حضرت علیه السلام در آنجا که از وفات خود خبر دادند همزمان درباره برقراری نظام دایمی خلافت نیز بشارت دادند. آن حضرت پس از بیان مثال حضرت ابوبکر رضی الله عنه به کلمات صریح فرمودند: ”و تا زمانی که من از این دنیا بروم، آن قدرت دوم نمی‌تواند ظهور کند. اما وقتی که من از این دنیا می‌روم وانگهی خداوند آن قدرت دوم را برای شما خواهد

فرستاد که برای همیشه با شما خواهد ماند.“

(وصیت، روحانی خزاین جلد ۲۰ ص ۳۰۵)

۲. در این رساله، آن حضرت علیه السلام طبق مشیت الهی برای اهداف نشر اسلام و تبلیغ فرامین قرآن یک نظام دایم و مستقل را تأسیس فرمودند که به نام نظام وصیت معروف است و در آینده از نظام‌های مختلف اقتصادی جهان همین ”نظام نو“ ثابت خواهد شد. تحت این نظام هر وصیت‌کننده موظف است که از سهم ملک و درآمد خود دست‌کم یک دهم را به نظام جماعت بدهد.

همچنین برای وصیت‌کننده شرط الزامی است که وی تقوا پیشه کند و از چیزهای حرام بپرهیزد و از شرک و بدعت احتراز ورزد و پاک و صادق باشد. آن حضرت علیه السلام مطابق مشیت الهی برای چنین وصیت‌کنندگان یک مقبره را منظور نمودند و فرمودند: ”من دعا می‌کنم که خدا در این کار برکت دهد و خود این زمین را مقبره بهشتی بسازد. و این محل آرامگاهی باشد برای افراد پاکدل این جماعت که واقعاً دین را بر دنیا اولویت دادند و مهر دنیا را ترک نمودند و خود را به خدا سپردند و تحول پاکی در وجود خود ایجاد کردند و مانند اصحاب رسول

الله صلی الله علیه وسلم نمونه وفاداری و صدق را از خود نشان دادند. آمین یارب العالمین.

(وصیت، روحانی خزاین جلد ۲۰ ص ۳۱۶)

به همراه این رساله وصیت، مقاله‌ای هم ضمیمه شده است که در آن، حضرت امام مهدی و مسیح موعود علیه السلام قوانینی را برای نظام وصیت و کسی که می‌خواهد در مقبره بهشتی دفن شود، نوشته‌اند.

و در پایان گزارش اولین جلسه صدر انجمن احمدیه قادیان مربوط به نظام وصیت که در ۲۹ ژانویه ۱۹۰۶ تشکیل شد، مندرج است که آن نیز مربوط به نظام وصیت می‌باشد.

تشکر و قدردانی

از آقای سلطان احمد قمر سپاسگزارم که این کتاب ارزشمندی را به فارسی برگرداند و همچنین از آقای دکتر کاشف علی و آقای حافظ اخلاق احمد و آقای مصور احمد طاهر و آقای ملک حماد احمد طاهر نیز ممنونم که آن را بازبینی کردند. آقای دکتر کاشف علی کار صفحه‌آرایی آن را نیز انجام داده‌اند.

همین‌طور از آقای دکتر یاسر شهزاد احمد (مسئول بخش فارسی) هم تشکر می‌نمایم که نظارت بر ترجمه این کتاب را به عهده داشتند.
جزاکم الله احسن الجزا

والسلام

اینجانب

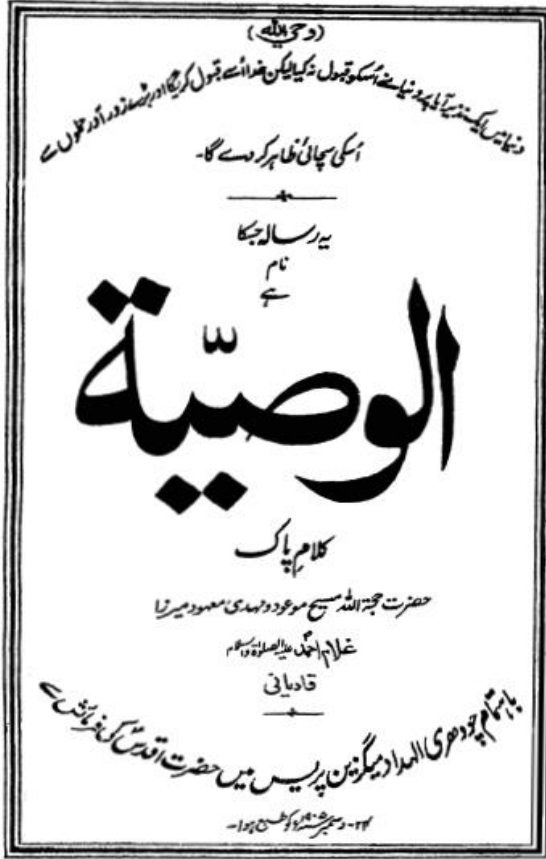
جمیل الرحمن رفیق

وکیل التصنیف ربوه

۱۲ شهریور ۱۳۹۹

تصویر روی جلد چاپ اول

ناٹیکل بار اول



ترجمه نخستین برگه چاپ اول کتاب

(وحی خدا)

در دنیا هشداردهنده‌ای آمد ولی دنیا وی را نپذیرفت اما خداوند او را مورد قبول قرار خواهد داد و با حملات شدیدی حقانیتش را آشکار خواهد ساخت.

این رساله که نامش وصیت است

کلام پاک حضرت حجت الله مسیح موعود و مهدی معهود میرزا
غلام احمد قادیانی علیه الصلوة والسلام است

(و) به فرمان حضرت اقدس به اهتمام چوده‌ری الهداد در
چاپخانه میگزین پریس در ۲۴ دسامبر ۱۹۰۵ به چاپ رسید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نحمده و نصلی علی رسوله الکریم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ. اما بعد، زیرا که خداوند عز و جلّ با وحی
متوالی به من اطلاع داده است که زمان وفاتم نزدیک است و در
این خصوص وحی او به قدری با تواتر نزول کرد که وجودم را از
پایه و اساس لرزاند و این حیات را بر من سرد کرد. به این خاطر
مناسب دانستم که برای دوستان و کسانی که بخواهند از کلام
من بهره جویند، چند نصیحت بنویسم. لذا ابتدا در مورد آن وحی
مقدس اطلاع می‌دهم، که با دادن خبر وفات من، این انگیزه را
در من ایجاد کرد. و آن قسمت که به زبان عربی نازل گردید،
بدین شرح است و سپس وحی اردو نیز نگاشته خواهد شد.

قُرْبَ أَجَلِكَ الْمُقَدَّرُ وَلَا نُبْقَى لَكَ مِنَ الْمُخْزِيَاتِ ذِكْرًا. قَلَّ مِيعَادُ
رَبِّكَ وَلَا نُبْقَى لَكَ مِنَ الْمُخْزِيَاتِ شَيْءًا. وَأَمَّا نُرَيْنَكَ بَعْضَ الَّذِي
نَعْدُهُمْ أَوْتَوْفِينِكَ. تَمُوتُ وَاَنَا رَاضٍ مِنْكَ. جَاءَ وَقْتُكَ وَنُبْقَى لَكَ
الْآيَاتِ بَاهِرَاتٍ. جَاءَ وَقْتُكَ وَنُبْقَى لَكَ الْآيَاتِ بَيِّنَاتٍ. قُرْبَ مَا

تُوَعِدُونَ. وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ. أَنَّهُ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.

(ترجمه) اجل تو فرا رسیده است و ما نسبت به تو اثری از سخنانی، که گفتار آن موجب رسوایی تو گردد، باقی نخواهیم گذاشت. از آن موعدی که خداوند متعال برای تو تعیین کرده، زمان اندکی باقی مانده است. و ما تمام آن اعتراضاتی را که با بیان کردن آنها بدنامی تو مطلوب باشد، رد خواهیم کرد و اثری از آنها باقی نخواهیم گذاشت. و ما به این امر قادریم که از تمام پیشگویی‌های ما که نسبت به مخالفین تو هستند، تحقق یافتن بخشی را به تو نشان دهیم و یا اینکه تو را وفات دهیم. تو در حالی از این جهان رخت خواهی بست که من از تو راضی خواهم بود. و ما برای اثبات صداقت و حقانیت تو آیات و نشانه‌های آشکار و بارز را همیشه زنده نگه خواهیم داشت. وعده‌ای که داده شده بود، تحقق آن نزدیک است. آن نعمت خدا را برای مردم بازگو کن که شامل حالت شده است. همانا کسی که تقوا پیشه کند و صبور باشد، خداوند اجر چنین نیکوکاران را به هدر نمی‌دهد.

در اینجا استحضار داشته باشید، این فرمایش خداوند متعال که ما نسبت به تو هیچ‌گونه سخنی را که موجب اهانت و تحقیر

تو باشد، باقی نخواهیم گذشت، دو معنی دارد: (۱) اول این که اعتراض‌هایی را، که با قصد اهانت منتشر می‌شوند، رفع می‌کنیم و اثری از آن ایرادها باقی نخواهد ماند. (۲) دوم این که آن معترضانی را که شرارت و فتنه‌انگیزی خود را ترک نمی‌کنند و از بدگویی دست برنمی‌دارند، از دنیا بر می‌داریم و از صفحه هستی معدوم می‌کنیم. وانگهی با نابود شدن‌شان، اعتراضات واهی‌شان نیز نابود می‌شوند.

پس از آن، خداوند متعال نسبت به وفاتم در زبان اردو با کلام زیر مرا مورد خطاب قرار داد و فرمود:

"روزهای بسیار اندکی باقی مانده است. در آن روز بر همه افسردگی مستولی می‌شود. این اتفاق خواهد افتاد، این اتفاق خواهد افتاد، این اتفاق خواهد افتاد، بعد از آن سانحه تو به وقوع می‌پیوندد. پس از نشان دادن تمام حوادث و عجایب قدرت، حادثه تو رخ خواهد داد."

علم و دانشی که در مورد فجایع و حوادث به من داده شده، همین است که در هر گوشه‌ای از دنیا مرگ و میر گسترش می‌یابد، زلزله‌های شدید رخ می‌دهند که نمونه‌ای از قیامت را به نمایش خواهند گذاشت و زمین را زیر و رو خواهند کرد، و حیات بسیاری از انسان‌ها تلخ می‌شود. آن هنگام، خداوند به

کسانی که توبه می‌کنند و از گناهان دست می‌کشند، رحم می‌کند. همان‌گونه که هر نبی در مورد این عصر خبر داده بود، لازم است که تمام آن امور به وقوع بپیوندند. ولی کسانی که قلب خویش را اصلاح می‌کنند و مسیری را برمی‌گزینند که خداوند دوست دارد، آنان نه ترسی خواهند داشت و نه غمی. خداوند خطاب به من [به زبان اردو] فرمود که تو از طرف من نذیر و هشدار دهنده هستی. من تو را فرستاده‌ام تا گناهکاران از نیکوکاران تفکیک شوند. و فرمود که در دنیا نذیری آمد ولی اهل دنیا وی را قبول نکردند ولی خداوند وی را قبول خواهد کرد و با حملات شدیدی حقانیتش را آشکار خواهد نمود.^۱ من به تو آن قدر فیض و برکت خواهم داد که پادشاهان از پوشاک تو فیض و برکت خواهند جست.

^۱ اگر مردم دنیا چشم باز می‌کردند، می‌دیدند که من رأس قرن حاضر ظهور کردم. و تاکنون نزدیک به یک چهارم قرن چهاردهم نیز سپری گشته است و طبق احیاء، درست در زمان ادعای من پدیده ماه گرفتگی و خورشید گرفتگی در ماه رمضان به وقوع پیوست و طاعون نیز در مملکت شیوع پیدا کرد و زلزله‌ها آمدند و در آینده نیز خواهند آمد اما افسوس بر کسانی که به دنیا مهر ورزیدند و مرا قبول نکردند. مؤلف

و (همچنین) در مورد زلزله آتی که زلزله‌ای بسیار شدید خواهد بود به من [به زبان اردو] خبر داد و فرمود:

"باز بهار آمد، سخن خدا باز متحقق شد"

به این خاطر لازم است که یک زلزله شدیدی رخ دهد اما افراد درستکار از آن در امان هستند. پس درستکار شوید و تقوا پیشه کنید تا در امان بمانید. امروز از خدا بترسید تا از ترس آن روز مصون باشید. لازم است که آسمان چیزهایی را پدیدار نماید و زمین نیز چیزهایی را به ظهور رساند، ولی آنان که از خدا می‌ترسند، محفوظ نگهداشته می‌شوند.

کلام خدا به من خبر می‌دهد که حوادث زیادی روی می‌دهند و آفت‌های متعددی بر زمین نازل می‌شوند؛ بعضی از اینها در زندگی من ظهور می‌کنند و بعضی بعد از درگذشت من و او این جماعت را به طور کامل توسعه خواهد داد؛ قدری توسط من و قدری بعد از من.

این سنت خداست و از زمانی که وی انسان را بر روی زمین خلق کرده، همواره این سنت خود را آشکار می‌نموده است یعنی او به رسولان و انبیای خود کمک می‌نماید و به آن‌ها غلبه

می‌دهد. چنانکه می‌فرماید. كَتَبَ اللّٰهُ لَآغْلِبَنَّ اَنَا وَرُسُلِي. ^۱ و منظور از غلبه این است که آن طور که هدف رسولان و انبیا این می‌باشد که حجت خداوند بر زمین اتمام یابد و هیچ‌کس نتواند مقابل آن ایستادگی کند، همان‌طور خداوند متعال با آیات و معجزات قوی حقانیت آن‌ها را هویدا می‌سازد و آن درستکاری‌ای را که آنان می‌خواهند در تمام دنیا اشاعه دهند، بذر آن را به دست خودشان می‌پاشند ولی تکمیل آن را تماماً به دست آنان انجام نمی‌دهد، بلکه با وفات دادن آن‌ها در زمانی که ظاهراً ترس شکست وجود دارد، برای مخالفین موجبات شادی و تمسخر و طعن و تشنیع را فراهم می‌سازد. و وقتی آن‌ها به خوبی مرتکب ریشخند و استهزا می‌شوند، آن‌گاه او دستی دیگر از قدرت خویش را به نمایش می‌گذارد و چنان اسباب و امکانات را پدید می‌آورد که با آنها اهدافی که قدری ناتمام مانده بودند، به اتمام می‌رسند.

خلاصه این که او دو نوع قدرت را آشکار می‌سازد. (۱) قدرت اول خویش را توسط خود پیامبران نشان می‌دهد، و (۲)

^۱ مجادله: ۲۲، خدا مقدر نموده است که او و پیامبرانش غلبه پیدا می‌کنند. مؤلف

دوم هنگامی که پس از وفات پیامبر، رودرروی با مشکلات ایجاد می‌شود و دشمنان قدرتمند می‌شوند و گمان می‌کنند که حال، دیگر کار گره خورده است و اطمینان پیدا می‌کنند که اکنون این جماعت نابود خواهد شد و خود اعضای جماعت نیز دچار شک و تردید می‌شوند و کمرشان می‌شکند و چندین نفر بدبخت به ارتداد رو می‌آورند، آنگاه خداوند متعال بار دوم قدرت فوق‌العاده خویش را آشکار می‌سازد و از جماعت در حال سقوط، پشتیبانی می‌کند. پس آن کسی که تا آخرین لحظه صبر پیشه می‌کند، این معجزه خداوند متعال را مشاهده می‌کند. به طوری که در زمان حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه اتفاق افتاد وقتی که رحلت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم یک رحلت نابهنگام متصور گردید. و بسیاری از افراد بادیه‌نشین نادان مرتد شدند و صحابه هم از شدت غم، مانند دیوانه‌ها شدند. آن هنگام خداوند متعال با بلند کردن حضرت ابوبکر رضی الله عنه بار دیگر نمونه‌ای از قدرت خویش را به نمایش گذاشت و اسلام در حال نابودی را نجات داد و این وعده خود را وفا نمود که فرموده بود: **وَلَيَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن**

بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا یعنی پس از گذران دوره خوف به آنان تمکین و تسلط خواهیم بخشید. همین اتفاق در زمان حضرت موسی علیه السلام نیز به وقوع پیوست، وقتی که ایشان قبل از این که طبق وعده، بنی اسرائیل را به مقصد اصلی برسانند در اثنای مسیر مصر و کنعان درگذشتند و به سبب آن در بنی اسرائیل عزاداری و ماتم بزرگی برپا شد. چنانکه در تورات مسطور است که بنی اسرائیل از غم این مرگ نابهنگام و جدایی ناگهانی حضرت موسی (ع) تا چهل روز گریه می‌کردند. همین اتفاق برای حضرت عیسی رخ داد و در هنگام واقعه صلیب تمام حواریان پراکنده شدند و یکی از آنان مرتد نیز شد.

پس ای عزیزان! در حالی که از زمان قدیم سنت خدا همین بوده است که خداوند متعال دو قدرت خود را نشان می‌دهد تا دو شادی دروغین مخالفان را پایمال کند. بنابراین، اکنون ممکن نیست که خداوند متعال سنت دیرینه خود را ترک نماید. به این خاطر شما از این سخنان که نزد شما بیان کرده‌ام غمگین نشوید و دل‌هایتان نگران نشوند چراکه مشاهده قدرت دوم نیز برایتان ضروری است و ظهور آن برای شما بهتر است

چراکه آن دائمی می‌باشد و سلسله‌اش تا قیامت منقطع نخواهد شد. و تا زمانی که من از این دنیا نروم، آن قدرت دوم نمی‌تواند ظهور کند. اما وقتی که من از این دنیا می‌روم وانگهی خداوند این قدرت دوم را برای شما خواهد فرستاد که برای همیشه با شما خواهد ماند چنانکه او در براهین احمدیه وعده داده است. و آن وعده دربارهٔ من نیست بلکه نسبت به شما است، چنانکه خداوند می‌فرماید که من / این جماعت را که پیروان تو هستم تا روز قیامت بر دیگران غلبه می‌دهم. پس لازم است که روز جدایی من بر شما فرا رسد تا متعاقباً آن روزی برسد که روز تحقق وعده جاویدانی است. خدای ما نسبت به وعده‌هایش صادق و وفادار و خدای راستگو است. او هر چه را که وعده داده، به شما نشان خواهد داد. هرچند که این ایام، روزهای آخر دنیا می‌باشند، آفت‌های زیادی هست که زمان نزول آنها فرا رسیده اما مادامی که تمام گفته‌هایی که خدا خبر آن را داده، تحقق نیابند، قطعاً این دنیا برقرار می‌ماند. من از طرف خدا به صورت قدرت اول ظاهر شده‌ام و من یک قدرت مجسم خدا هستم. و پس از من اشخاصی دیگر خواهند بود که مظهر قدرت دوم خدا خواهند بود. پس شما در انتظار قدرت دوم خدا، گرد هم آمده و پیوسته دعا کنید. بایستی هر یک از جماعت صالحان در هر کشور جمع شده و به دعا اشتغال بورزند تا قدرت دوم از آسمان

نازل شود و به شما نشان دهد که خدایتان اینچنین خدای مقتدری است. مرگ خود را نزدیک بدانید. شما نمی‌دانید آن لحظه چه وقت فرا می‌رسد.

و باید که بزرگان جماعت که نیکوکار و درست‌کردارند پس از من از جانب من از مردم بیعت بگیرند.^۱ اراده‌ی خداوند متعال به این تعلق گرفته است که تمام آن انسان‌ها را که سرشت پاک‌ی دارند و در جمعیت‌های مختلف کره زمین آبادند، چه در اروپا و چه در آسیا، به سوی توحید جذب کند و بندگان خویش را بر

^۱ انتخاب این افراد به اتفاق رأی مومنان خواهد بود. پس درباره‌ی فردی که چهل نفر مومن موافقت کنند که او سزاوار این است که به نام من از مردم بیعت بگیرد، وی مجاز خواهد بود که بیعت بگیرد. و باید که او خود را برای دیگران سرمشق و الگو بسازد. خداوند به من خبر داده است که من از جماعت تو و از اولاد تو فردی را بلند می‌کنم و وحی و قرب خود را به او ارزانی می‌دارم و توسط او حق توسعه می‌یابد و بسیاری از مردم صداقت را خواهند پذیرفت. پس منتظر آن ایام باشید. و [این نکته را] به یاد داشته باشید که هر کسی در زمان خود شناخته می‌شود و قبل از آن امکان دارد که وی انسان معمولی به نظر برسد یا در اثر بعضی افکار فریبنده مورد انتقاد قرار بگیرد چنانکه انسان کامل هم قبل از وقت در شکم فقط نطفه یا علقه می‌باشد. مؤلف

دین واحد جمع کند. همین آن هدف خدا است که به خاطرش من در دنیا مبعوث شده‌ام. بنابراین شما این هدف را دنبال کنید، ولی با نرم خوی و اخلاق و مداومت به دعا. و تا زمانی که پس از من کسی با دریافت روح القدس از خدا بلند نشود، همگی بعد از من به اتفاق همدیگر کار کنید.

و باید که شما نیز با همدلی و تزکیه نفس نصیبی از روح القدس را به دست آورید که بدون روح القدس، پیشه کردن تقوای حقیقی اصلاً امکانپذیر نیست. و برای جلب رضای خدا با به طور کامل ترک کردن احساسات نفسانی، راهی را اختیار کنید که تنگتر از آن هیچ راهی دیگر نباشد. فریفته لذات دنیوی نشوید که آن‌ها شما را از خدا دور می‌کنند. و برای خدا زندگانی تلخ را برگزینید. رنجی که با آن خدا راضی شود بهتر از آن لذتی است که با آن خدا ناراضی شود. و شکستی که با آن خدا راضی شود بهتر از آن پیروزی است که موجب خشم الهی گردد. آن عشق و وابستگی را ترک کنید که شما را به خشم خدا نزدیک کند. اگر شما با قلب پاک به سوی او بیایید، وانگهی او در هر مسیری شما را کمک خواهد کرد و هیچ دشمنی نمی‌تواند به شما ضرر و زیانی برساند. شما رضای خدا را به هیچ وجه نمی‌توانید به دست آورید مادامی که رضای خود را ترک

نموده، لذات خود را رها کرده، عزت خود را کنار گذاشته، دارایی خود را ترک کرده، جان خود را ترک گفته و در راه او آنگونه رنج نبرید که منظره مرگ را پیش روی شما بیاورد. اما اگر شما متحمل رنج و سختی شوید آنگاه همچون کودکی در آغوش خدا قرار می‌گیرید و وارث آن نیکوکارانی خواهید بود که قبل از شما در گذشته‌اند. و هر یک از درهای نعمت و موهبت بر شما گشوده می‌شود؛ اما افرادی از این قبیل اندکند. خدا خطاب به من فرمود که تقوا درختی است که باید آن را در دل کاشت. همان آبی که از آن، تقوا رشد می‌یابد تمام باغ را سیراب می‌کند. تقوا ریشه‌ای است که اگر نباشد همه چیز پوچ است و اگر باقی بماند همه چیز باقی می‌ماند. انسان از این یاوه‌گویی چه بهره‌ای می‌تواند ببرد که با زبان ادعای خداجویی کند ولی با صدق نیت قدمی بر ندارد. آگاه باشید من صادقانه و صمیمانه به شما می‌گویم که آن انسان هلاک شده است که دین را با برخی امور دنیوی درهم می‌آمیزد و جهنم به آن شخص بسیار نزدیک است که تمام خواسته‌هایش برای خدا نیستند بلکه برخی برای خدا و برخی برای دنیا هستند. بنابراین، اگر شما در اهداف خود ذره‌ای آمیختگی امور دنیوی داشته باشید، تمام عبادت‌هایتان عبث است. در آن صورت شما از خدا پیروی نمی‌کنید بلکه از شیطان پیروی می‌نمایید. هرگز انتظار نداشته باشید که در

چنین حالتی خدا به شما کمک خواهد کرد، بلکه شما در آن حالت همچون کرم خاکی هستید و در ظرف چند روز همانگونه هلاک خواهید شد که کرم‌ها هلاک می‌شود. خدا با شما نخواهد بود بلکه او با هلاک کردنتان خرسند خواهد شد. اما اگر شما واقعاً هوای نفس خود را بکشید، آنگاه شما در هستی خدا آشکار می‌شوید و او با شما خواهد بود. و خانه‌ای که در آن زندگی می‌کنید، پر از برکت خواهد گشت و رحمت خدا بر آن دیوارها که دیوارهای خانه‌تان است، نازل می‌شود و آن شهری پر از برکت می‌شود که در آن اینچنین انسانی زندگی می‌کند. اگر حیات و مامتان و هر عملتان و هر مهر و خشمتان صرفاً برای خدا باشد و در هنگام هر تلخی و مصیبت، خدا را امتحان نکنید و پیوند خود را نگسلید، بلکه گام به جلو بردارید در این صورت صادقانه می‌گوییم که شما یک ملت ممتاز خدا خواهید شد. شما نیز انسان هستید چنانکه من هستم و همان خدای من، خدای شماست. پس استعداد و توانمندی‌های پاکیزه خود را تلف نکنید. اگر شما کاملاً به سوی خدا متمایل شوید من مطابق خواست خدا به شما می‌گوییم که شما یک ملت برگزیده خدا خواهید شد. عظمت و بزرگی خدا را در دل‌های خود بنشانید. و توحیدش را نه تنها به زبان بلکه در عمل نیز نشان دهید تا خداوند نیز لطف و احسان خود را در عمل به شما نشان دهد. از

کینه‌ورزی اجتناب کنید و با هم‌نوعان با عطفوت برخورد کنید. هر یک راه نیکی را پیشه کنید. معلوم نیست از کدامین راه پذیرفته شوید.

به شما این بشارت را می‌دهم که میدان تقرب الهی خالی است. هر ملت در حال مهر ورزیدن به دنیا و مادیت است و توجه مردم به آن چیز معطوف نیست که با آن خدا راضی شود. کسانی که مایلند با تمام توان وارد این دروازه شوند، فرصت دارند که استعداد و جوهر خود را نشان دهند تا پاداش ویژه‌ای از خداوند دریافت کنند.

مبادا فکر کنید که خدا شما را به هدر می‌دهد. شما بذری هستید که به دست خدا در زمین کاشته شده است. خداوند می‌فرماید که این بذر می‌روید و نشو نما می‌یابد و شاخه‌هایش به هر سو گسترش می‌یابند و تبدیل به درختی تناور خواهد شد. پس سعادت‌مند است آنکه به سخن خدا ایمان آورد و از آزمایش‌های پیش رو نترسد چون که پیش آمدن امتحان‌ها و ابتلاها نیز لازم است تا خدا شما را بیازماید که چه کسی در ادعای بیعت خویش صادق است و چه کسی کاذب. آنکه با امتحان بلغزد، هیچ ضرری به خدا نخواهد رساند و بدبختی‌اش وی را به جهنم می‌رساند. اگر آن شخص به دنیا نیامده بود،

برایش بهتر می‌بود. اما همه آن کسانی که تا لحظه آخر صبر کنند باوجود اینکه بر آنها زلازل بلاها و سختی‌ها وارد شود و طوفان‌های حوادث رخ دهند و ملت‌ها آنها را مسخره و ریشخند کنند و دنیا با کراهت شدیدی با آنها برخورد کند، اینان سرانجام پیروز می‌شوند و درهای برکات برایشان گشوده می‌شوند. خداوند خطاب به من فرمود که به جماعت خود اطلاع بدهم که آنان که ایمان آوردند، ایمانی که در آن هیچ آمیزش دنیوی نیست و آلوده به نفاق و بزدلی نیست و از هیچ درجه‌ای از اطاعت محروم نیست، اینچنین آدم‌ها مورد پسند خداوند می‌باشند و خداوند می‌فرماید که اینان همان‌های هستند که نزد او جایگاه والایی دارند.

ای کسانی که گوش شنوا دارید گوش فرا دهید! که خدا از شما چه می‌خواهد. فقط همین که مال او شوید. هیچ کسی را با او شریک نسازید؛ نه در آسمان و نه در زمین. خدای ما آن خدایی است که اکنون نیز حیّ و زنده است چنانکه قبلاً حیّ و زنده بود و اکنون نیز سخن می‌گوید همچنانکه در گذشته سخن می‌گفته و اکنون نیز می‌شنود چنانکه قبلاً می‌شنید. این فکر خام است که او در این زمان می‌شنود ولی سخن نمی‌گوید؛ او هم می‌شنود و هم سخن می‌گوید. تمام صفات او ازلی و

ابدی‌اند. هیچ صفتش معطل نیست و هیچگاه هم معطل نخواهد شد. او همان خدای واحد و بی‌همتایی است که نه فرزندی دارد و نه همسری. او همان بی‌مثل است که نظیر خود را ندارد و مانند او هیچ کسی دارای صفت خاص و منحصر به فرد نیست و هیچ کس همتای او نیست. هیچ کس هم صفات او نیست و هیچ یک از قدرت‌های او ناقص نیست. او نزدیک است علی‌رغم دور بودن و دور است علی‌رغم نزدیک بودن. او می‌تواند خود را به صورت تمثیل بر اهل مکاشفه آشکار سازد اما او نه جسمی دارد و نه شکلی. و او بالاتر از همه است ولی نمی‌شود گفت که کسی دیگر هم پایین‌تر از او وجود دارد. او بر عرش قرار دارد ولی نمی‌شود گفت که بر زمین نیست. او جامع تمام صفات کامل است، و مظهر تمام ستایش و محامد حق است، و سرچشمه تمام خوبی‌ها است، و جامع تمام قدرت‌ها است، و مبدای تمام فیوض است، و مرجع هر شیء است، و مالک هر یک مملکت است، و متصف به هر یک کمال است، و منزله از هر عیب و ضعف است. و این امر مخصوص به اوست که اهل زمین و اهل آسمان تنها او را باید بپرستند. و هیچ چیزی برایش محال نیست. و تمام ارواح و قدرت‌های آنان و تمام ذرات و قدرت‌های آنان آفریده‌اند او هستند. هیچ چیزی بدون [دستور] او به ظهور نمی‌رسد. او با قدرت‌های خویش و توانمندی‌های

خویش و آیات خویش، خود را آشکار می‌سازد و به او توسط خود او می‌توانیم برسیم. و او همواره وجود خود را بر نیکوکاران و راستبازان ظاهر می‌سازد و قدرت‌های خود را به آنها نشان می‌دهد و از همین روش او شناخته می‌شود، و از همین روش راه مورد پسندش شناسایی می‌شود.

او بدون چشمان مادی می‌بیند و بدون گوش‌های مادی می‌شنود و بدون زبان مادی سخن می‌گوید. همچنین از نیستی به هستی آوردن، کار اوست چنانکه مشاهده می‌کنید که در منظره رویا بدون هیچ ماده‌ای، یک جهان را می‌آفریند و هر یک شیء فانی و معدوم را موجود نشان می‌دهد. پس تمام قدرت‌های او اینگونه می‌باشند. نادان است کسی که قدرت‌های او را انکار کند، نابینا است کسی که از توانایی‌های عمیقش بی‌خبر است. همه کارها را او انجام می‌دهد و هر کاری را که بخواهد می‌تواند انجام دهد بجز آن اموری که برخلاف شأن و مرتبتش می‌باشد یا متضاد با وعده‌هایش است. و او واحد و یکتاست در ذات خود و در صفات خود و در افعال خود و در قدرت‌های خود. ، همه درها برای رسیدن به او مسدودند به جز آن یک در که فرقان مجید باز کرده است. و از تمام نبوت‌ها و تمام کتاب‌هایی که در گذشته بوده‌اند، نیاز به پیروی جداگانه‌ای

نمانده است چون نبوت محمدی همه آنها را شامل است و بر آنها احاطه دارد و به جز این راه، همه راه‌های دیگر بسته شده‌اند. تمام حقایق و صداقت‌ها که به خدا می‌رسانند، در درون همین نبوت هستند. نه هیچ حقیقت و راستی جدیدی بعد از این نبوت خواهد آمد و نه قبل از این نبوت هیچ حقیقت و راستی بوده که در این نبوت وجود ندارد. به همین دلیل همه نبوت‌ها بر این نبوت خاتمه یافته‌اند و می‌بایست همین‌طور می‌بود زیرا آن چیزی که آغازی دارد سرانجامی هم دارد. ولی این نبوت محمدی (ص) در ذات خود از فیض‌رسانی قاصر و عاجز نیست بلکه آن بیشتر از تمام نبوت‌های دیگر فیض دارد. پیروی از این نبوت به سهولت به خدا می‌رساند و با پیروی از آن، عشق خدا و انعام مکالمه و مخاطبه او بیش از آنچه که قبلاً حاصل می‌شد، می‌تواند عائد شود. اما فقط با این تفاوت که پیرو کامل این نبوت نمی‌تواند ”نبی“ خوانده شود، چون در آن، موجبات هتک حرمت نبوت کامل و تام محمدی فراهم می‌آید. ولی البته که امتی و نبی هر دو واژه در کنار هم می‌توانند بر وی تحقق یابند چون که اجتماع این دو واژه موجب هتک حرمت نبوت کامل و

تام محمدی (ص) نیست بلکه با آن، فیضان درخشش این نبوت آشکارتر می‌شود.^۱ و وقتی که آن مکالمه و مخاطبه از لحاظ کیفیت و کمیت به درجه کمال برسد و در آن هیچ آلودگی و کاستی باقی نماند و به وضوح مشتمل بر امور غیبی باشد آنگاه همان مکالمه و مخاطبه به عبارت دیگر موسوم به نبوت می‌باشد که بر آن تمام انبیا و پیامبران اتفاق نظر دارند. پس امکان نداشت که آن ملتی که در موردش فرموده شده که *كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ*^۲ و به آنها این دعا تعلیم داد شده: *اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ*^۳ تمام افراد آنها از این مرتبه عالی محروم می‌مانند و از میانشان حتی یک نفر هم

^۱ با این وجود این نکته را باید خوب به خاطر سپرد که باب نبوت تشریحی بعد از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم قطعاً مسدود است و بعد از قرآن مجید هیچ کتابی دیگر نیست که احکام جدیدی را بیاموزد یا اینکه دستور قرآن شریف را منسوخ کند یا پیروی از آن را معطل سازد بلکه عمل به آن تا قیامت ادامه دارد.

^۲ آل عمران: ۱۱۱، شما بهترین امتی هستید که برای نفع مردم خلق شده‌اید. مترجم

^۳ فاتحه: ۶-۷، ما را به راه راست هدایت بده، راه کسانی که آنها را مورد انعام خود قرار دادی. مترجم

به این مرتبه نایل نمی‌شد؛ در این صورت اشکال کار فقط این نبود که امت محمدی ناقص و ناتمام می‌ماند و همه مانند نابیناها می‌ماندند بلکه این نقص هم وجود داشت که بر قوه فیضان‌رسانی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم هم لطمه وارد می‌شد و قوه قدسی آن حضرت ناقص قرار می‌گرفت. و فارغ از این، آموزش دعایی که خواندن آن در نمازهای پنجگانه تعلیم داده شده بود، عبث می‌شد. و از طرفی این عیب هم وجود داشت که اگر نیل به این کمال به یکی از افراد امت مستقیماً و بدون پیروی نور نبوت محمدی امکانپذیر می‌بود، در آن صورت مفهوم ختم نبوت هم باطل می‌شد. بنابراین برای مصون داشتن از این دو نقص، خداوند متعال افتخار مکالمه مخاطبه کامل و تام و مطهر را به بعضی از آن افراد عطا نمود که در حالت فنا فی الرسول به درجه اتم رسیدند و هیچ حجابی در میان باقی نماند و مفهوم امتی بودن و معنای اطاعت به درجه اتم و اکمل بر آنها صدق کرد تا حدی که وجودشان وجود خودشان نماند بلکه در آینه محویتشان، وجود حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم منعکس گردید و علاوه بر این، همکلامی خداوند متعال به طور کامل و اتم همچون پیامبران نصیبشان شد.

پس بدین ترتیب بعضی افراد باوجود اینکه امتی بودند لقب نبی را دریافتند؛ چرا که از این قبیل نبوت از نبوت محمدی جدا نیست بلکه اگر به دقت نگاه کنید، این خود نبوت محمدی است که در پیرایه جدید جلوه‌گر شد. همین معنای آن جمله حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم است که ایشان در حق مسیح موعود فرمودند که نَبِيُّ اللَّهِ - وَأَمَامُكُمْ مِنْكُمْ یعنی او هم نبی است و هم امتی. وگرنه هیچ بیگانه‌ای حتی نمی‌تواند نزدیک این مقام هم برسد. خوش به سعادت کسی که این نکته را درک کند تا از هلاکت مصون بماند.

خداوند عیسی علیه السلام را وفات داده است چنانکه آیه واضح و صریح خداوند متعال فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ بر آن شاهد است، معنی این آیه به همراه آیات مربوطه این می‌باشد که در روز قیامت خدا از عیسی سوال می‌کند که آیا تو به امت خود این تعلیم را داده بودی که من و مادرم را به عنوان خدا قبول کنید؟ ایشان پاسخ خواهند داد که تا زمانی که من در میانشان بودم، شاهد و نگهبان‌شان بودم اما وقتی تو مرا

^۱ مائده: ۱۱۸

وفات دادی، دیگر من اطلاعی نداشتم که بعد از من آنان به کدام گمراهی و ضلالت مبتلا شدند.

اکنون اگر کسی بخواهد می‌تواند آیه **فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي** را اینگونه معنی کند که "آنگاه که تو مرا وفات دادی" و چنانچه بخواهد با دست برداشتن از لجاجت ناحق خود، اینگونه معنی کند که آنگاه که تو مرا با جسم عنصری به آسمان بلند کردی؛ ولی در هر صورت از این آیه، ثابت می‌شود که حضرت مسیح بار دیگر به دنیا نخواهند آمد چون که اگر ایشان قبل از قیامت دوباره به دنیا آمده بودند و صلیب را شکسته بودند، در آن صورت امکان ندارد که مسیح که نبی خدا بودند، در روز قیامت چنین دروغ صریح را مقابل خداوند متعال خواهند گفت که من هیچ خبر ندارم که پس از من ملت من این عقیده فاسد را اختیار کردند که من و مادرم را خدا قرار دادند. آیا آن شخصی که بار دیگر به دنیا بیاید و چهل سال در دنیا زندگی کند و با مسیحیان جنگ کند، باوجود نبی خوانده شدن می‌تواند چنین دروغ زشتی را بر زبان بیاورد که من هیچ خبری ندارم. پس این آیه مانع آمدن مجدد حضرت مسیح است وگرنه ایشان دروغگو قرار می‌گیرند. اگر ایشان با جسم عنصری در آسمان زنده هستند و به موجب تصریح این آیه تا روز قیامت بر زمین فرود نمی‌آیند آنگاه آیا

ایشان بر آسمان خواهند مرد و قبرشان هم در آسمان خواهد بود؟ اما مردن در آسمان برخلاف آیه *فِيهَا تَمُوتُونَ* است. پس با این حساب همین ثابت می‌گردد که ایشان با جسم عنصری به آسمان نرفتند بلکه پس از مرگ به آسمان رفتند. و وقتی که کتاب الله با کمال صراحت این داوری نموده است آنگاه مخالفت با کتاب الله اگر معصیت نیست پس چیست؟

اگر من نیامده بودم، فقط خطای اجتهادی قابل بخشش بود. اما الان که من از جانب خدا آمده‌ام و معانی صریح و صائب قرآن شریف روشن شدند، باز دست برنداشتن از اشتباه، شیوه درستکاران نیست. برای من آیات خدا هم بر آسمان و هم روی زمین به ظهور رسیدند و حدود یک چهارم از این قرن نیز سپری گشته و هزاران معجزه پدیدار شدند و از عمر دنیا هزاره هفتم شروع شده است، پس هنوز هم نپذیرفتن حق، دیگر چه نوع قساوت قلبی است؟

توجه کنید! من به صدای بلند می‌گویم که آیات خدا هنوز تمام نشده‌اند. بعد از آن نخستین معجزه زلزله که در ۴ آوریل ۱۹۰۵ رخ داد، که خبر آن خیلی وقت پیش داده شده بود، باز

^۱ اعراف: ۲۶، در زمین می‌میرید. مترجم

خدا به من خبر داد که در فصل بهار یک زلزله سنگین دیگری رخ خواهد داد. آن ایام، ایام بهار خواهند بود. معلوم نیست که آن زمان آغاز بهار خواهد بود، زمانی که درخت‌ها برگ در می‌آورند و یا اواسط آن و یا روزهای پایانی آن. کلمات وحی الهی اینگونه‌اند. "باز بهار آمد و باز کلام خدا تحقق پیدا کرد". چون که نخستین زلزله در ایام بهار اتفاق افتاد به این سبب خدا خبر داد که آن دومین زلزله نیز در بهار رخ خواهد داد. و چون که در آخر ماه ژانویه بعضی درخت‌ها شروع به برگ دادن می‌کنند به همین سبب از همان ماه ایام خوف آغاز خواهند شد و احتمالاً تا آخر ماه مه آن ایام باقی خواهند ماند.^۱

^۱ من نمی‌دانم که منظور از ایام بهار همین روزهای بهاری‌اند که پس از سپری شدن این فصل زمستان می‌آیند یا تحقق این پیشگویی موکول به وقت دیگری است که [در هر صورت] فصل بهار می‌باشد. به‌رحال از کلام خدا معلوم می‌شود که آن ایام روزهای بهار خواهند بود ولو هر فصل بهاری باشد. اما خدا مانند آن شخصی می‌آید که شب هنگام مخفیانه می‌آید. خدا به من همین مطلب را فرموده است. مؤلف

و خدا فرمود زَلْزَلَةُ السَّاعَةِ یعنی آن زلزله نمونه‌ای از قیامت خواهد بود. و سپس فرمود لَكَ نُرِي آيَاتٍ وَ نَهْدِمُ مَا يَعْمُرُونَ^۱ یعنی ما برای تو آیاتی را به ظهور می‌رسانیم و ما آن عمارت‌ها را که به طور متداوم احداث خواهند کرد منهدم خواهیم کرد. و سپس فرمود: "زلزله آمد و خیلی شدید آمد و زمین را زیرورو کرد" یعنی یک زلزله شدیدی خواهد آمد و زمین را یعنی بعضی از قسمت‌هایش را زیرورو خواهد کرد همانگونه که در زمان لوط اتفاق افتاد. و سپس فرمود: اِنِّي مَعَ الْاَفْوَاجِ اَتِيكَ بَعْتَةً یعنی من مخفیانه به همراه لشکرها خواهم آمد. هیچ کس از آن روز خبر نخواهد داشت چنانکه تا وقتی که آبادی لوط زیرورو نشد هیچ کس خبری نداشت و همه مشغول عیش و نوش بودند که ناگهان زمین زیرورو شد. پس خدا می‌فرماید که در اینجا نیز همین اتفاق رخ خواهد داد زیرا گناه بیش از حد گسترش یافته و انسان‌ها بیش از حد به مال دنیا مهر می‌ورزند و راه خدا با حقارت نگریسته می‌شود. و سپس فرمود: "پایان حیات‌ها" و سپس مرا مورد خطاب قرار داد و فرمود: قَالَ رَبُّكَ اِنَّهُ نازلٌ مِّنَ

^۱ یک وحی خدا در این باره این نیز هست که "برای تو نامم درخشید"

السَّمَاءِ مَا يُرِضِيكَ رَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا یعنی پروردگار تو می‌گوید که یک امر از آسمان خواهد آمد که از آن تو شاد و خوشحال خواهی شد. این رحمتی است از جانب ما و تصمیم قطعی که از آغاز مقدر بود. و لازم است که آسمان از نازل کردن این امر بازایستد تا وقتی که این پیشگویی در بین ملت‌ها منتشر شود. کیست که به سخنان ما ایمان آورد به‌جز آن کس که خوش بخت باشد.

در نظر داشته باشید که این اعلام برای ایجاد اضطراب نیست بلکه در جهت جلوگیری از اضطراب آتی می‌باشد تا کسی در بی‌خبری هلاک نشود. هر یک امر، وابسته به نیت است و نیت‌ما دادن رنج و اذیت نیست بلکه مصون نگهداشتن از آن است. آن کسانی که توبه می‌کنند از عذاب خدا نجات داده خواهند شد. اما آن انسان بدبخت که توبه نمی‌کند و مجالس استهزاء را ترک نمی‌گوید و از بدکاری و گناه دست نمی‌کشد، روزهای هلاکتش نزدیکند چون که گستاخی‌اش در نگاه خداوند سزاوار این است که وی مورد خشم خدا قرار بگیرد.

اینجا امری دیگر قابل ذکر است که همان طور که قبلاً بیان کرده‌ام، خدا در مورد وفاتم به من اطلاع داده است و با خطاب به من نسبت به حیات من [به زبان اردو] فرمود که "ایام بسی

اندکی باقی مانده‌اند." و فرمود "پس از نشان دادن تمام حوادث و عجایب قدرت، حادثه تو پیش خواهد آمد". این فرموده اشاره‌ای است به این سو که لازم است قبل از وفات من چند حادثه در دنیا رخ دهند و برخی از عجایب قدرت ظاهر شوند تا دنیا برای یک انقلاب آماده شود و پس از آن انقلاب، اجل من فرا رسد. و یک محل به من نشان داده شد که این جای قبر تو خواهد بود. فرشته‌ای را دیدم که زمین را می‌پیماید. آنگاه با رسیدن به یک مقامی به من گفت که این محل قبر تو است. سپس در یک جایی یک قبر به من نشان داده شد که از نقره هم بیشتر می‌درخشید و تمام خاک آن از نقره بود. آنگاه به من گفته شد که این قبر تو است. و یک محلی به من نشان داده شد و نام آن مقبره بهشتی نهاده شد و آشکار گردید که این قبور متعلق به آن افراد برگزیدهٔ جماعتند که بهشتی هستند. از آن به بعد همواره در این فکر بودم که یک قطعه زمین برای جماعت به قصد قبرستان خریداری شود اما چون زمین‌های خوب با موقعیت مناسب با قیمت‌های گزاف قابل تهیه بودند به این سبب این مقصود به مدت طولانی به تعویق افتاد. حال پس از وفات برادر مرحوم مولوی عبد الکریم و در حالی که نسبت به وفات اینجانب نیز وحی مکرر شده است، مناسب دانستم که هر چه سریعتر تدارک قبرستان دیده شود. و برای این منظور من

زمینی از املاک خودم را، که نزدیک باغ ما است و قیمت آن کمتر از یک هزار روپیه نیست، برای این کار پیشنهاد کردم. و من دعا می‌کنم که خدا در این کار برکت دهد و خود این زمین را مقبره بهشتی قرار دهد. و این محل آرامگاهی باشد برای افراد پاکدل این جماعت که واقعاً دین را بر دنیا اولویت دادند و مهر دنیا را ترک نمودند و خود را به خدا سپردند و تحول پاکی در وجود خود ایجاد کردند و مانند اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم نمونه وفاداری و صدق را از خود نشان دادند. آمین یارب العالمین.

من مکرراً دعا می‌کنم که ای خدای قادر من، در این زمین قبرهای آن پاکدلان جماعت من بساز که حقیقتاً مال تو شده‌اند و در کار و زندگی‌شان هیچ آمیزش اهداف دنیوی نیست. آمین یارب العالمین.

من بار سوم دعا می‌کنم که ای قادر و کریم من، ای خدای غفور و رحیم، تو فقط به کسانی در این محل جایی برای قبر عطا بفرما که به فرستاده تو ایمان راستین دارند و هیچ‌گونه

نفاق و تمایل نفسانی و سوءظن^۱ در باطن خود ندارند و حق ایمان و اطاعت را آن طور که سزاوار است، ادا می کنند. و برای تو

^۱ سوءظن یک بلاى خطرناكى است و ایمان را به قدرى سریع می سوزاند چنانکه آتش سوزان خس و خاشاک را می سوزاند. و آن کسی که نسبت به مرسلان خدا سوءظن دارد، خدا خود دشمن او می شود و برای جنگ با او آماده می شود. و او برای برگزیدگان خود به قدری غیرت دارد که هیچ نظیرش یافت نمی شود. وقتی علیه من حملات گوناگون آغاز شدند، همان غیرت خدا در حق من برافروخته شد. به نحوی که او فرمود. انى مع الرسول اقوم والوم من يلوم و اعطيك ما يدوم. لك درجة فى السماء و فى الذين هم يبصرون. ولك نرى آيات ونهدم ما يعمرن. وقالو اتجعل فيها من يفسد فيها. قال انى اعلم مالا تعلمون. انى مهين من اراد اهانتك. لا تخف انى لا يخاف لدى المرسلون. اتى امر الله فلا تستعجلوه. بشارة تلقاها النبيون. يا احمدى انت مرادى ومعى. انت منى بمنزلة توحيدى وتفريدى وانت منى بمنزلة لايعلمها الخلق. وانت وجيه فى حضرتى. اخترتك لنفسى. اذا غضبت غضبت. و كلما احببت احببت. آثرک الله على كل شىء. الحمد لله الذى جعلک المسيح ابن مريم. لايسئل عما يفعل و هم يسئلون. و كان وعدا مفعولا. يعصمک الله من العدا. ويسطوا بكل من سطا. ذالك بما عصوا وكانوا يعتدون. اليس الله بكاف عبده. يا جبال اوبى معه والطير. كتب الله لاغلبن انا

و در راه تو، قلباً جان فدا کرده‌اند. و از کسانی که تو راضی هستی و کسانی که درباره‌شان تو می‌دانی که آنان کاملاً در عشق تو فنا شده‌اند و با فرستاده‌ی تو رابطه‌ی محبت و فداکاری دارند که مملو از وفاداری و ادب کامل و ایمان منشرح است. آمِن يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

و چون بشارت‌های وزین بسیاری در مورد این قبرستان به من داده شدند و خدا نه فقط این را فرموده که این مقبره بهشتی است بلکه این را هم فرمود: أَنْزَلَ فِيهَا كُلَّ رَحْمَةٍ يَعْنِي هَر نوع رحمت بر این قبرستان نازل گردیده است و هیچ نوعی رحمتی نیست که اهل این قبرستان سهمی از آن نبرند، بدین سبب خدا با وحی خفی خود قلبم را به این سو راغب نمود که برای چنین قبرستان شروطی گذاشته شوند تا فقط کسانی در آن دفن شوند که به واسطه صدق و درستکاری کامل خود،

ورسلی. و هم من بعد غلبهم سیغلبون. ان الله مع الذين اتقوا والذين هم محسنون. ان الذين آمنوا ان لهم قدم صدق عند ربهم. سلام قولاً من رب رحيم. وامتازوا اليوم ايها الجرمن. مؤلف

پایبند به این شرایط باشند. و آن سه شرط است و به جا آوردن آنها برای همه الزامی است.

۱. زمین کنونی این قبرستان را من به طور اعانه از طرف خود داده‌ام ولی برای تکمیل این محوطه، زمین بیشتری خریداری خواهد شد که برآورد قیمت آن یک هزار روپیه است و چند اصله درخت برای خوش نما ساختن آن کاشته می‌شوند و یک چاه کنده می‌شود و به سمت شمال این قبرستان گذرگاهی است در آنجا همیشه آب راکد می‌ماند لذا در آنجا یک پل ساخته می‌شود و برای از این قبیل مصارف متفرقه نیاز به دو هزار روپیه است. پس این جمعاً سه هزار روپیه شد که برای تکمیل تمام این کارها صرف خواهد شد. پس اولین شرط این است که هر یک شخص که می‌خواهد در این قبرستان دفن شود، باید به لحاظ وضعیت مالی خود برای این مصارف اعانه بدهد و این اعانه فقط از همین افراد مطالبه شده است نه از دیگران. فعلاً این اعانه نزد برادر جناب مولوی نورالدین جمع-آوری شود؛ ولی اگر خداوند متعال خواست این روند بعد از مرگ همه ما نیز ادامه خواهد داشت. در آن صورت باید یک انجمن تشکیل داده شود که مبالغ این درآمد را که هر چند وقت یک

بار جمع‌آوری می‌شود آنگونه که صلاح بدانند برای اعلا‌ی کلمه اسلام و برای اشاعه توحید خرج کنند.

۲- شرط دوم این است که از بین اعضای جماعت آن کسی در این قبرستان دفن خواهد شد که وصیت کند که پس از مرگش یک دهم از تمام ماترک او طبق دستورالعمل این جماعت برای اشاعه اسلام و تبلیغ احکام قرآن صرف خواهد شد و هر انسان صادق و دارای ایمان کامل مختار است که برای سهمی بیشتر از این نیز وصیت بنویسد اما کمتر از این سهم قابل قبول نخواهد بود. و این عایدی نزد یک انجمن معتمد و اهل علم سپرده خواهد شد. و آن انجمن با مشورت همدیگر برای توسعه اسلام و اشاعه علم قرآن و کتب دینی و برای واعظین این جماعت طبق دستورالعمل فوق الذکر صرف خواهند کرد. و وعده خداوند متعال است که او این جماعت را توسعه می‌دهد. به این سبب امیدواری است که چنین اموالی برای اشاعه اسلام به مقدار زیاد جمع‌آوری خواهند شد. و هر یک امر که مشمول مصالح اشاعه اسلام است که توضیح دادن آن اینک قبل از وقت است، تمام آن امور از این اموال انجام خواهند پذیرفت. و وقتی یک گروه که متکفل این کار است، فوت کند سپس آن کسانی که جانشین آنان خواهند شد،

وظیفه آنان نیز همین خواهد بود که تمام خدمات را طبق دستورالعمل جماعت احمدیه به جای آورند. از این اموال برای ایتم و مسکینان و تازه‌مسلمانان که به حد کفایت وجوهات امرار معاش در اختیار ندارند و عضو جماعت احمدیه هستند نیز سهمی خواهد بود. و جایز است که این اموال از طریق تجارت توسعه داده شوند. هرگز فکر نکنید که این حرف‌ها دور از تصورند بلکه این اراده آن خدای قادر است که پادشاه زمین و آسمان است. من نگران این نیستم که این اموال چگونه جمع-آوری خواهند شد و نه این که چگونه چنین جماعتی به وجود خواهند آمد که با جوشش ایمانی این کار شجاعانه را از خود نشان دهند؛ بلکه نگرانی من این است که بعد از زمان ما به کسانی که این نوع اموال سپرده خواهند شد، آنان با دیدن فراوانی مال، لغزش نخورند و به دنیا نگرینند. پس من دعا می‌کنم چنین افراد امین همواره نصیب این جماعت گردند که برای خدا کار کنند. البته این جایز خواهد بود که کسانی که امورات زندگیشان نمی‌چرخد، به آنان از این صندوق کمک خرجی داده شود.

۳- سومین شرط این است که دفن شونده در این قبرستان متقی باشد و از محرمات پرهیز کرده و هیچ عمل شرک و بدعت را انجام ندهد و راستگو و مسلمان خالص و پاک باشد.

۴- هر یک انسان صالح و درستکاری که هیچ ملکی در اختیار ندارد و از لحاظ مالی نمی‌تواند هیچ کمکی بکند درباره‌اش اگر ثابت شود که وی زندگی خود را در راه دین وقف کرده بود و فرد صالح بوده، وی می‌تواند در این قبرستان دفن شود.

دستور العمل

۱. هر آن کس که می‌خواهد بر حسب شرایط فوق الذکر وصیت کند، به این وصیتش بعد از مرگش عمل خواهد شد. ولی دادن وصیت کتبی به مسئول امین این جماعت، الزامی است و همین‌طور چاپ آن نیز ضروری است چرا که در هنگام مرگ اغلب نوشتن وصیت‌ها مشکل می‌شود. و چون روزهای آیات و بلاهای آسمانی نزدیکند، به این علت کسی که در این زمان و در حالت امنیت وصیت خود را می‌نویسد نزد خدا مقام و مرتبه والایی دارد. و در نتیجه نوشتن این وصیت، کسی که مالش داریم موجب کمک و یاری می‌گردد وی به ثواب و پاداش داریم نایل می‌شود و اموالش در حکم خیرات جاریه خواهد بود.

۲- هر شخصی که ساکن جای دیگر باشد و در مکانی دور از قادیان در منطقه‌ای دیگر از این مملکت باشد و پایبند به این شروطی باشد که بالا درج شده‌اند، بازماندگانش می‌بایست جنازه‌اش را در یک تابوت قرار داده و به قادیان برسانند و اگر کسی قبل از تکمیل این قبرستان یعنی تعمیر پل و غیره رخت از جهان ببندد که بر حسب شرایط در این قبرستان دفن خواهد شد، می‌بایستی داخل تابوت به صورت امانت در محل خود دفن شود. سپس جنازه‌اش با رعایت تمام ملزومات که متعلق به قبرستان می‌باشد، به قادیان آورده شود. ولی اگر کسی که بدون تابوت دفن شده باشد از قبر در آوردنش مناسب نخواهد بود.^۱

گفتنی است که این مشیت خداست که افرادی دارای ایمان کامل در یک جا دفن شوند. تا نسل‌های آینده با دیدن آنها در یک جا ایمان خود را تقویت نمایند و تا شاهکارهای آنان یعنی

^۱ هیچ نادانی این قبرستان و تدارک آن را بدعت تصور نکند چرا که این تدارک بر مبنای وحی الهی دیده شده و دست انسانی در آن دخیل نیست. و کسی این خیال را نکند که چگونه فقط با داخل شدن به این قبرستان کسی می‌تواند اهل بهشت شود چون مراد این نیست که این زمین کسی را اهل بهشت می‌کند بلکه منظور کلام خدا این است که فقط اهل بهشت در اینجا دفن خواهد شد. مؤلف

کارهای دینی که برای خدا به جا آورده‌اند برای همیشه بر ملت آشکار گردند.

در آخر دعا می‌کنیم که خدای تعالی در این کار به هر انسان مخلص کمک کند و شور ایمانی در وجودش ایجاد کند و او را عاقبت به خیر کند. آمین

شایسته است به هر فردی که از جماعت ما این نوشتار برسد، آن را بین دوستان خود پخش کند. و تا جایی که ممکن باشد آن را نشر دهید و برای نسل آینده خود محفوظ نگهدارید. و مخالفان را نیز با روش محترمانه از این اطلاع دهید در مقابل بدگویی هر بدگو صبر پیشه کنید و به دعا مشغول باشید.

وَآخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

نگارنده اینجانب

المفتقر الی الله الصمد غلام احمد عافاه الله و آید

۲۰ دسامبر ۱۹۰۵

الا اے کہ ہشیاری و پاک زاد
 بدیں دار فانی دل خود بند
 اگر باز باشد ترا گوش ہوش
 کہ اے طعمہ من پس از چند روز
 ہر آں کو بہ دنیائے دوں مبتلا است
 برست آنکہ بر موت دارد نگاہ
 سفر کردہ پیش از سفر سوے یار
 پے دار عقبی کمر بستہ چُست
 چو کار حیات است کارے نھاں
 جہنم کزو داد فرقاں خبر
 چو آخر ز دنیا سفر کردن است
 چرا عاقلی دل ببندد دراں
 بدیں قحبہ بستن دل خود خطا است
 چہ حاصل ازیں دلستان دو رنگ
 چرا دل نہ بندی بداراں دلستاں
 برو فکر انجام کن اے غوی
 عروسی بود نوبت ماتمت

پے حرص دنیا مدہ دیں بباد
 کہ دارد نھاں راحتش صد گزند
 ز گورت ندائے درآید بہ گوش
 پے فکر دنیائے دوں کم بسوز
 گرفتار رنج و عذاب و عنا است
 بریدہ ز دنیا دو دیدہ بہ راہ
 کشیدہ ز دنیا ہمہ رخت و بار
 رہا کردہ سامان این خانہ سست
 ہماں بہ کہ دل بگسلی زیں مکاں
 ہمیں حرص دنیا است جان پدر
 چو روزے ازیں رہ گزر کردن است
 کہ ناگاہ وزد بر گل او خزاں
 کہ این دشمن دین و صدق و صفاست
 کہ گاہے بہ صلحت کشد کہ بہ جنگ
 کہ مہرش رہاند ز بند گراں
 ز سعدی شنو گر ز من نشنوی
 اگر بر نکوئی بود خاتمت

تمام شد

ضمیمه متعلق به رساله وصیت^۱

در خصوص رساله وصیت چند نکته ضروری قابل نشر است که در ذیل نوشته می‌شود:

۱. اول این که تا زمانی که انجمن کارپرداز مصالح قبرستان این امر را منتشر نکند که قبرستان از لحاظ لوازم ضروری من کل الوجوه کاملاً آماده شده است تا آن وقت شایسته نخواهد بود که جنازه آن شخص که شرایط رساله وصیت را به جا آورده است برای دفن به قبرستان آورده شود بلکه قبل از آن آماده شدن لوازم ضروری از جمله تعمیر پل و غیره لازم است و تا آن زمان میت داخل یک تابوت به عنوان امانت در قبرستان دیگری نگهداری شود.

۲. هر شخصی که به پایبندی بر شرایط رساله وصیت اقرار کند، برایش لازم خواهد بود که چنین اقرار را با ثبت شهادت حداقل دو شاهد در زمان بقای عقل و شعور خود به انجمن تحویل دهد و به صراحت بنویسد که یک دهم از سهم کل املاک منقول و غیر منقول خود را برای اشاعه اهداف جماعت

^۱ ریویو آف ریلیجنز(اردو) ژانویه ۱۹۰۴م از صفحه ۳۶ الی ۳۹ ناشر

احمدیه به صورت وصیت و یا وقف تقدیم می‌کند. و لازم خواهد بود که وی این مطلب را حد اقل در دو روزنامه به چاپ برساند.

۳. این وظیفه انجمن خواهد بود که نسبت به متن وصیت‌نامه پس از حصول اطمینان کامل از لحاظ قانونی و شرعی به وصیت‌کننده یک گواهی با مهر و امضای خود بدهد. و زمانی که یک میت طبق قواعد فوق الذکر به این قبرستان آورده شود لازم خواهد بود که آن گواهی به انجمن نشان داده شود و آن میت طبق دستورالعمل و شناسایی محل قبر توسط انجمن، در آن محلی که انجمن برایش تجویز کرده، دفن شود.

۴. به جز در وضعیت خاص که انجمن تجویز بکند، کودکان نابالغ در این قبرستان دفن نخواهند شد چون آنها اهل بهشت هستند. و همین‌طور هیچ یک از اعضای خانواده آن متوفا در این قبرستان دفن نخواهد شد تا زمانی که او به نوبه خود تمام شروط رساله وصیت را به جای بیاورد.

۵. هر یک متوفا که در خطه قادیان وفات نیافته باشد، آوردنش به قادیان به جز داخل تابوت مجاز نخواهد بود. و نیز لازم خواهد بود که حد اقل یک ماه قبل اطلاع بدهند تا چنانچه انجمن در مورد قبرستان دچار موانع غیر مترقبه شده باشد آنها را رفع کرده و مجوز دهد.

۶. اگر خدای نکرده یک فرد مبتلا به مرض طاعون وفات یابد درحالی که تمام شروط رساله وصیت را به جا آورده باشد نسبت به او این دستور الزامی است که وی تا دو سال داخل یک تابوت در مکان جداگانه‌ای به صورت امانتی دفن شود و بعد از دو سال در فصلی آورده شود که در مقام فوتش و در قادیان طاعون نباشد.

۷. به خاطر بسپارید که فقط پرداخت یک دهم از سهم املاک منقول و غیر منقول کافی نخواهد بود بلکه واجب خواهد بود که چنین وصیت‌کننده‌ای تا جایی که برایش ممکن است پایبند به احکام اسلام و در امور تقوا و پاکدامنی کوشا باشد و مسلمان باشد و خداوند متعال را یکتا بداند و به پیامبر او ایمان راستین بیاورد و نیز غصب کننده حق الناس نباشد.

۸. اگر شخصی یک دهم از سهم مالکیت املاک خود را وصیت کند و مرگش به صورت ناگهانی اتفاق بیفتد مثلاً در دریا غرق شود و یا در کشور دیگری وفات یابد که آوردن میت از آنجا دشوار باشد در آن حالت وصیتش پا برجا خواهد ماند و نزد خداوند همین‌گونه خواهد بود که گویا وی در همین قبرستان دفن شده است. و شایسته خواهد بود که به عنوان یادبودش یک

سنگ قبر در همین قبرستان نصب شود و شرح وقایع بر آن نوشته شود.

۹. انجمن که این سرمایه را در تصرف خود خواهد داشت این اختیار را نخواهد داشت که به جز برای اهداف جماعت احمدیه در جایی دیگر پول را خرج کند. و ارجح‌ترین این اهداف، هدف اشاعه اسلام خواهد بود. و جایز خواهد بود که انجمن با اتفاق آراء از طریق تجارت این سرمایه را توسعه دهد.

۱۰. تمام اعضای انجمن کسانی خواهند بود که عضو جماعت احمدیه باشند و پارسامنش و قابل اعتماد باشند. و اگر در آینده نسبت به فردی معلوم شود که او پارسامنش نیست و یا اینکه درستکار نیست و یا اینکه آدم دسیسه‌چین است و آمیزش امورات دنیوی در خود دارد، در این صورت انجمن موظف خواهد بود که چنین فردی را بی‌درنگ از انجمن خود اخراج کند و شخصی دیگر را جایگزینش کند.

۱۱. اگر در خصوص اموال وصیت شده اختلافی پیش آید تمام هزینه‌های دادرسی از اموال وصیت شده پرداخت خواهند شد.

۱۲. اگر شخصی پس از وصیت کردن به دلیل ضعف ایمانی خود از وصیت خود منکر شود و یا از این جماعت رو بگرداند،

انجمن ولو اینکه از لحاظ قانونی اموال وی را تصاحب کرده باشد با این حال جایز نخواهد بود که آن اموال را در تصرف خود نگهدارد بلکه تمام آن اموال می‌بایست برگردانده شود. چون خدا محتاج مال کسی نیست و چنین مالی نزد خداوند مکروه و قابل رد کردن می‌باشد.

۱۳. چون که انجمن جانشین خلیفه منصوب شده خدا است به این سبب انجمن می‌بایست از رنگ و بوی دنیاداری کاملاً پاک باشد و تمام معاملاتش شفاف و مبتنی بر عدالت باشند.

۱۴. جایز خواهد بود که در جهت حمایت و یاری این انجمن، انجمن‌های دیگر در کشورهای دور و دراز تاسیس شوند که تابع رهنمودهای این انجمن باشند. و جایز خواهد بود که اگر متوفا در کشوری باشد که آوردن میت از آنجا دشوار است در آن صورت میت در همان مکان دفن شود. و از این قبیل فرد قبل از وفات خود در جهت حصول ثواب یک دهم از سهم اموال خود را وصیت کند و تصرف آن اموال وصیت شده از وظایف آن انجمن است که در آن کشور است. و بهتر خواهد بود که آن وجوهات در راستای اهداف دینی همان کشور صرف شود و جایز خواهد بود که در صورت لزوم آن وجوهات به این انجمن که اداره مرکزی آن در قادیان خواهد بود، داده شود.

۱۵. لازم خواهد بود که مقر این انجمن همیشه قادیان بماند چون خدا به این مکان برکت داده است و جایز خواهد بود که این انجمن با درک نیازهای آینده برای انجام این کار بنای مناسبی را احداث کند.

۱۶. همیشه حد اقل می‌بایست دو عضو در انجمن از این قبیل باید باشند که با علوم قرآن و حدیث آشنایی کامل و تحصیلات زبان عربی داشته باشند و کتب جماعت احمدیه را ازبر باشند.

۱۷. اگر شخصی که طبق شرایط رساله وصیت، وصیت می‌کند خدای نکرده مجذوم باشد و وضعیت جسمی‌اش این اجازه را ندهد که به این قبرستان آورده شود، چنین شخصی بر حسب مصالح ظاهری مناسب نیست که به قبرستان آورده شود. اما اگر وی بر وصیت خود استوار بوده باشد، وی به همان درجه نایل می‌شود که فرد مدفون به آنجا نایل می‌شود.

۱۸. اگر کسی هیچ املاک منقول و یا غیر منقول در اختیار نداشته باشد و با این وجود ثابت شود که وی یک درویش صالح و متقی و مومن حقیقی است و هیچ نصیبی از نفاق یا دنیاپرستی یا کوتاهی در اطاعت در او نیست، وی نیز با اجازه من یا بعد از من با اتفاق آراء انجمن می‌تواند در این قبرستان دفن شود.

۱۹. و اگر کسی با وحی معین خداوند متعال مردود شود، وی باوجود اینکه اموال وصیت شده را تقدیم کند، در این قبرستان دفن نخواهد شد.

۲۰. نسبت به من و اهل بیت من خدا استثناء قائل شده است. بقیه هر فرد چه مرد باشد چه زن پایبندی به این شروط برایش الزامی است و معترض منافق خواهد بود.

اینها شروط لازم الاجرا هستند که در بالا نوشته شدند. در آینده در این مقبره بهشتی فقط آن کسی که این شروط را به جای می‌آورد، دفن خواهد شد. ممکن است بعضی افراد که بدگمانی بر آنها غالب باشد به خاطر این فعالیت، ما را مورد انتقاد قرار دهند و این تدارک را مبتنی بر اغراض نفسانی بدانند یا بدعت قرار دهند. ولی به یاد داشته باشید که خداوند متعال در کارهای خود هر آن چه را که بخواهد انجام می‌دهد. بدون شک او اراده کرده است که از طریق این تدارک منافق را از مومن تفکیک کند. و ما خود احساس می‌کنیم که افرادی که با یافتن اطلاع از این انتظام الهی بی‌درنگ به این فکر می‌افتند که سهم یک دهم از کل املاک خویش را در راه خدا بدهند بلکه انگیزه بیش از این را از خود بروز می‌دهند، آنان بر ایمان خود مهر تایید می‌زنند. خداوند متعال می‌فرماید: **الم أَحْسِبَ النَّاسُ**

أَنْ يُثْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ آیا مردم می‌پندارند که من به همین گفتارشان راضی شوم که بگویند ما ایمان آورده‌ایم و اصلاً امتحان نشوند؟ و این امتحان که چیزی نیست. صحابه با تقاضای فدای جان امتحان شده بودند و آنان جان‌های خود را در راه خدا دادند. پس چنین گمانی که چرا همین‌طوری اجازه عمومی به هر کس داده نمی‌شود که در این قبرستان دفن شود، چقدر دور از حقیقت است. اگر همین روا بود آنگاه خداوند متعال چرا در هر دوره زمانی بنای آزمایش را نهاد؟ او در هر دوره زمانی خواهان این بوده است که فرق بین افراد خبیث و پاک را آشکار کند، به همین دلیل اکنون نیز او چنین کرده است.

خداوند متعال در زمان حضرت محمد صلی الله علیه و سلم امتحان‌های سهل را نیز قرار داده بود، چنانکه این هم یک روش بود که هیچ شخصی از حضرت محمد صلی الله علیه و سلم مشورت نگیرد تا وقتی که نذر ندهد. پس در این امر نیز برای منافقین ابتلاء و آزمایشی بود. ما خود احساس می‌کنیم که با آزمایش این زمان، مخلصین اعلا مرتبه که درحقیقت دین را بر

^۱ عنکبوت ۲-۳

دنیا مقدم شمرده‌اند از افراد دیگر ممتاز خواهند شد و ثابت خواهد شد که آنان کاملاً طبق اقرار بیعت عمل کرده‌اند و صدق خود را آشکار نموده‌اند. بدون شک این انتظام برای منافقین دشوار خواهد بود و این باعث پرده‌داری آنان خواهد شد و آنها بعد از مرگ چه مرد باشند چه زن هرگز در این قبرستان دفن نخواهند شد. **فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا** اما کسانی که در این کار سبقت می‌جویند از زمره درستکاران شمرده خواهند شد و تا ابد رحمت خدا بر آنان نازل خواهد شد.

در آخر این نکته هم باید به خاطر سپرده شود که روزهای مصیبت نزدیک هستند و زلزله سختی که زمین را زیرورو می‌کند، نزدیک است. پس آنهایی که قبل از مشاهده عذاب الهی تارک دنیا بودن خود را ثابت کنند و همچنین این را هم ثابت کنند که به دستور من عمل کرده‌اند، همین افراد نزد خداوند مومن واقعی‌اند و در دفتر او جزو نخستین پیشگامان نوشته خواهند شد. و من به حق می‌گویم که آن زمان نزدیک است که یک منافق که با مهر ورزیدن به دنیا به این حکم

^۱ بقره: ۱۱، در دل‌هایشان بیماری است، پس خداوند متعال بر بیماریشان افزود. مترجم

بی‌اعتنا بوده است، موقع عذاب آه کشیده و خواهد گفت که ای کاش من تمام اموال منقول و غیر منقول را در راه خدا می‌دادم و از این عذاب در امان می‌ماندم. به خاطر داشته باشید که بعد از مشاهده و رویاروی با عذاب الهی ایمان آوردن بی‌فایده خواهد بود و صدقه و خیرات بیهوده. دقت کنید! من شما را از عذابی بسیار نزدیک خبر می‌دهم. سریع‌تر برای خود توشه‌ای گردآوری کنید که به درد بخورد. من نمی‌خواهم که مالی از شما بگیرم و به تصرف خود دربیآورم بلکه شما مال خود را برای نشر دین به یک انجمن خواهید سپرد و زندگی بهشتی را به دست می‌آورید. بسیاری هستند که با دل بستن به دنیا حکم مرا پشت گوش خواهند انداخت اما زود از دنیا جدا خواهند شد، سپس در لحظه آخر خواهند گفت هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ^۱.

والسلام علی من اتبع الهدی.

نگارنده اینجانب

میرزا غلام احمد، مسیح موعود از طرف خداوند متعال

۶ ژانویه ۱۹۰۶

^۱ یس: ۵۳، این همان است که خدای رحمان وعده داده بود و پیامبران راست گفته بودند. مترجم

بسم الله الرحمن الرحيم

نحمده و نصلی علی رسوله الکریم

گزارش جلسه اول مجلس معتمدین صدر انجمن احمدیه قادیان

برگزار شده در ۲۹ ژانویه ۱۹۰۶

حاضر جلسه

جناب حضرت مولوی نورالدین، رئیس مجلس، جناب محمد
علی خان، جناب آقازاده بشیرالدین محمود احمد، جناب مولوی
سید محمد احسن، جناب خواجه کمال الدین، جناب دکتر سید
محمد حسین، سکرتری مجلس

چون که ارائه بعضی از رهنمودها و موافقتها ناگزیر بود و
وقت کافی برای اطلاع رسانی به دوستان برون شهری مهیا نبود
به این دلیل با اجازه حضرت امام علیه السلام پس از موافقت
قواعد این جلسه تشکیل شد.

مقررات مندرج در ذیل طی گردیدند

۱. مقرر گردید که متن تجویز شده وصیت..... مورد
موافقت قرار گیرد.

۲. مقرر گردید که عجالاً هشتصد نسخه از متن وصیت به چاپ برسند. و همچنین متن آن در روزنامه‌های الحکم و البدر نیز چاپ شود.

۳. مقرر گردید که دستورالعمل‌های مندرج در ذیل جهت اعمال به وصیت‌کنندگان فرستاده شود و این دستورالعمل‌ها در ذیل فرم وصیت چاپ شوند.

الف. اگر نیاز باشد وصیت‌کنندگان متن وصیت را مطالبه کنند و متن آن را از نو بر کاغذ رونوشت کنند. و قسمت‌های خالی آن را بر حسب وضعیت خویش پر کنند. برای وصیت از کاغذ بادوام استفاده شود.

ب. تا جایی که امکان داشته باشد وصیت ثبت دفتر اسناد رسمی شود و حتی المقدور امضای وراثت یا شرکای وصیت‌کننده به عنوان شهود باشند. و به همراه آن دو نفر معتبر شهر یا روستا شاهد باشند.

ج. وصیت‌کننده و همچنین شهود چه باسواد باشند یا بی‌سواد علاوه بر امضا یا مهر خود اثر انگشت خود را حتماً ثبت کنند. و کسانی که باسواد هستند امضاء هم بکنند. و مرد اثر شست دست چپ و زن اثر شست دست راست خود را ثبت کند.

د. اگر وصیت‌کننده می‌تواند بنویسد وی باید وصیت خود را به دست خود بنویسد.

ه. نیازی به زدن تمبر مالی بر ورقه وصیت نمی‌باشد.

و. اگر وصیت‌کننده دچار وضعیت خاصی باشد و در مورد آن نیاز به مشاوره حقوقی داشته باشد در آن صورت..... با نوشتن نامه به مشاور حقوقی انجمن کسب تکلیف کند.

۴. صاحبان اراضی که در پنجابند و در انجام وصیت مشکلاتی دارند برایشان شایسته است که به آن میزان اموالی که می‌خواهند وصیت کنند آن را در حیات خود به جای وصیت، هبه کنند. و بر هبه‌نامه از وراث خود (اگر موجود باشند) امضاء بگیرند که رضایت این وراث حاصل شود و ثبت هبه‌نامه در دفتر اسناد رسمی ضروری است و سند املاک موهوبه را به نام مجلس معتمدین صدر انجمن احمدیه انتقال دهند اما در چنین شرایطی ایشان نسبت به املاک جدید هر چند وقت یکبار باید این کار را انجام بدهند.

۵. اگر در هبه مذکور در بند ۴ نیز دشواری باشد به آن قدر از املاک که می‌خواهند وصیت یا هبه کنند با تعیین قیمت روز بازار یا با فروش آن ثمن معامله یا قیمت تعیین شده را به مجلس کارپرداز مصالح قبرستان تحویل دهند. اما در صورتی که

وقتی ایشان ملک جدید به دست آورند نسبت به آن نیز هر چند وقت یکبار باید این عمل را انجام دهند.

۶. دوستانی که هیچ ملکی در اختیار ندارند اما منبع درآمدی دارند آنها حداقل یک دهم از سهم درآمد ماهیانه خود را به انجمن تحویل دهند. آنها مختارند که اعانه‌ای را که در حال حاضر به سلسله عالیله احمدیه می‌دهند آن را شامل این سهم یک دهم قرار دهند یا از آن جدا نگهدارند. اگر آنها می‌خواهند اعانه حالیه خود را در این سهم یک دهم شامل کنند، در آن صورت به گونه‌ای که آنها اعانه را می‌فرستند همان‌گونه ادامه دهند. البته پس از کسر اعانه‌های پرداختی مبالغ باقی مانده را به نام دبیر امور مالی مجلس کارپرداز مصالح قبرستان ارسال کنند. بقیه نامه‌نگاری را با دبیر این مجلس انجام دهند. اما ایشان باید وصیت کنند که پس از مرگشان انجمن صاحب حداقل یک دهم از سهم ماترک آنها باشد.

تبصره: (۱) افرادی که می‌خواهند در رابطه با وصیت یا هبه مربوط به مجلس کارپرداز مصالح قبرستان اطلاعات حقوقی بیشتری را کسب کنند، آنها قبل از نوشتن وصیت یا هبه می‌توانند نامه‌نگاری کنند.

(۲) در شرایط خاص با نامه‌نگاری با مجلس معتمدین مسایل را می‌شود طی کرد.

۷- کل مبالغ اعانه که در رابطه با قبرستان باشد یا تحت اعلامیه وصیت در اشکال فوق‌الذکر فرستاده می‌شود فقط باید به این آدرس ارسال شود "دبیر امور مالی مجلس کار پرداز مصالحه قبرستان" و به نام شخصی دیگر یا به آدرسی دیگر فرستاده نشود.

اینجانب محمد علی سکرتری ۲۹ ژانویه ۱۹۰۶

نورالدین اول ژوئیه ۱۹۰۶

میرزا غلام احمد